



تعهدات مشترک زوجین در زمینه مسائل غیرمالی و ضمانت‌اجراهای آن

فرشته نفر^{۱*}، عبدالرضا بای^۲، محمد منقوش^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی شمس، گنبدکاووس، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، ایران.

چکیده

هدف از این پایان‌نامه، بررسی تعهدات مشترک زوجین در خصوص مسائل غیرمالی و تعیین ضمانت‌اجراهای آن است. نتایج نشان داد، در مورد تعهدات اختصاصی غیرمالی زوج، مقنن ایران در قوانین جزایی اصلاً ضمانت‌اجرایی در نظر نگرفته است. در رابطه با تعهداتی که زوجه در قبال زوج دارد نیز در مورد وظیفه تمکین، صرفاً ضمانت اجرای مدنی وجود دارد که عبارت‌اند از سقوط نفقه و حق قسم. در رابطه با سکونت زن در منزل تعیینی شوهر نیز هیچ‌گونه ضمانت‌اجرایی وجود ندارد، اما با توجه به اینکه امتناع زوجه از سکونت در منزل تعیینی شوهر بدون مانع مشروع، از مصادیق نشوز است، در این فرض نیز امتناع زوجه موجب سقوط نفقه و حق قسم می‌شود. در رابطه با تعهدات مشترک زوجین تنها وظایف وفاداری و حضانت، دارای ضمانت‌اجرایی مدنی و جزایی مؤثری هستند، اما در رابطه با وظایف حُسن معاشرت و معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند، تنها ضمانت‌اجرایی مدنی که عبارت از طلاق و سقوط نفقه باشند، در نظر گرفته شده است و هیچ ضمانت‌اجرایی جزایی در نظر گرفته نشده است. مقنن ایران اکثریت موارد طلاق را به‌عنوان ضمانت‌اجرایی امتناع زوجین از تعهدات زوجیت عنوان کرده که از این حیث نیز به قانون ایران نقص وارد است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۷-۵۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: f.sh.asl70@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

خانواده، تعهدات غیرمالی، زوجیت،

ضمانت اجرا.



مقدمه

در واقع این پژوهش درصدد پاسخ دادن به این پرسشی اساسی است که تعهدات مشترک زوجین در خصوص مسائل غیرمالی و ضمانت اجراهای آن چیست؟

ب- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که حقوق خانواده حقوقی مبتنی بر اخلاق، ایثار و محبت است و با دیگر نهادهای حقوقی اساساً تفاوت دارد. بحث حقوق غیرمالی جایگاه و اهمیت خاصی در مباحث مربوط به آن دارد و بیشترین تأثیر را در حفظ و دوام این نهاد مقدس و همچنین در ایجاد خوشبختی و آرامش زوجین دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸).

از آنجا که امروزه با توجه به مسائلی چون کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و دیدگاه‌های همراه با افراط و تفریط، نسبت به مسائل زنان و خانواده، شاهد اتهامات متعدد دنیای غرب، علیه شریعت اسلام، به‌ویژه در مورد حقوق زن و نقش او در خانواده و محدودیت وی توسط شوهر هستیم. برای پاسخ‌گویی به این شبهات و سوءتعبیر لازم است با دقت نظر هرچه بیشتر این مباحث را پیگیری کرده و ضمن پرداختن به نظرات صاحب‌نظران را که برخی براساس شرایط تاریخی زمان خودشان بوده را به نقد و تحلیل جدی بکشانیم. از این رو در این پژوهش اهداف مذکور تا آنجا که برای نگارنده مقدور و معمول بوده، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج- اهداف تحقیق**هدف اصلی**

بررسی تعهدات مشترک زوجین در حیطه مسائل غیرمالی و تعیین ضمانت‌اجراهای آن.

اهداف فرعی

۱- شناخت تعهدات غیرمالی در حقوق خانواده.

۲- شناخت ضمانت‌های اجرای حاکم بر تعهدات غیرمالی زوجین.

د- سؤالات تحقیق**سؤال اصلی تحقیق**

تعهدات مشترک زوجین در خصوص مسائل غیرمالی چیست و چه ضمانت‌اجرایی دارد؟

سؤالات فرعی

۱- تعهدات غیرمالی مشترک و مخصوص زوجین کدامند؟

۲- حقوق تا چه اندازه می‌تواند برای حقوق معنوی و غیرمالی زوجین، ضمانت اجرا قرار دهد؟

برخلاف سایر عقود، در عقد نکاح (ازدواج) دو جنبه مادی و معنوی موجود است که جنبه معنوی آن در اولویت می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، در تنظیم روابط عاطفی زن و شوهر، اخلاق حاکم بر قواعد حقوقی است. در رابطه زناشویی، سخن از عواطف انسانی، عشق و صمیمیت و وفاداری است و حقوق به‌تنهایی برای حکومت کردن بر روابط آنان ناتوان است (مطهری، ۱۳۶۳).

در شریعت اسلام نیز در قوانین مربوط به خانواده، در دو بخش مستقل از حقوق و وظایف از یک سو و اخلاق و فضایل از سوی دیگر، به‌گونه‌ای مبسوط و مشروح سخن به‌میان می‌آید. در واقع با توجه به اهمیتی که خانواده در تشکیل اجتماع دارد و سلامت و تباهی آن در استحکام و انهدام پایه‌های اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و اجتماعی جامعه اثر فراوان دارد، توجه به خانواده و انسجام آن یکی از اهداف هر جامعه سالم باید باشد (امامی، ۱۳۹۴).

الف- بیان مسأله

همین که نکاح، به‌طور صحیح واقع می‌شود. روابط زوجیت، آغاز می‌گردد و زوجین حقوق و تکالیفی نسبت به هم پیدا می‌کنند که حقوقدانان به آن، آثار نکاح می‌گویند. آثار حقوقی نکاح، شامل دو بخش می‌شود: الف- حقوق و روابط مالی زوجین. ب- حقوق و روابط غیرمالی زوجین.

از آنجا که نکاح، خود در درجه نخست یک قرارداد غیرمالی است و روابط شخصی زوجین در تنظیم ارتباطات آنان، مهم‌تر از روابط مالی آن‌هاست، جا دارد که این جنبه از آثار نکاح نیز به‌طور علمی و تخصصی مورد مطالعه قرار گیرد.

از مسائلی که امروزه جایگاه خاصی نسبت به گذشته، برای زوجین دارد. بحث حقوق جنسی آنان است. بررسی حد و حدود تمکین خاص زوجه و اثبات طرفینی بودن نشوز، به‌معنای بی‌اهمیتی هریک از زن و شوهر، به رضایت جنسی طرف مقابل نیز امروزه نیاز به بحث و پژوهشی درخور دارد؛ چراکه استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی زنان، در جامعه امروز و رشد آگاهی‌های او نسبت به حقوق خویش، او را از قالب سنتی که تنها نقش تمکین در برابر شوهر را ایفا می‌کرد و نیازهای او اساساً دیده و پذیرفته نمی‌شد، خارج کرده است (دیانی، ۱۳۹۵).

و- فرضیات تحقیق**- فرضیه اصلی**

به نظر می‌رسد در رابطه با تعهدات مشترک زوجین تنها وظایف وفاداری و حضانت دارای ضمانت‌اجرای مدنی و جزایی مؤثری هستند، اما در رابطه با وظایف حُسن معاشرت و معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند تنها ضمانت‌اجرای مدنی که عبارت از طلاق و سقوط نفقه باشند، در نظر گرفته شده است و هیچ ضمانت‌اجرای جزایی در نظر گرفته نشده است.

- فرضیه فرعی

۱- تقسیم تعهدات و تعیین حقوق در نظام حقوقی اسلام، براساس استعداد و تناسب و نیازهای جسمی و روحی آنان است، نه مانند دیگر نظام‌های حقوقی، براساس تشابه یا تساوی مطلق.
۲- حقوق غیرمالی در خانواده، بسیار بااهمیت‌تر از حقوق مالی، در خانواده است؛ چراکه اساس و تشکیل خانواده، خود مسائلی غیرمالی است و خانواده خود یک نهاد غیرمالی می‌باشد.

۱- مفهوم نکاح

نکاح مصدر ثلاثی و از ریشه نکح، ینکح می‌باشد. نکاح در اصل به معنای وَطْئُ (آمیزش) است که در مورد عقد ازدواج به مناسبت اینکه آن زمینه وطی می‌باشند، استعمال می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد منظور از عقد، نه تنها صیغه، بلکه مفهوم حاصل از آن یعنی همان ازدواج است، بنابراین نکاح را چنین تعریف می‌کنیم: «نکاح رابطه‌ای است حقوقی- اخلاقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آن دو حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند. مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.» این تعریف شامل هر دو قسم نکاح، یعنی دائم و موقت می‌شود.

۲- اقسام نکاح

ازدواج بر دو نوع است:

۱- دائم ۲- موقت

ازدواج دائم حقوق و تکالیفی را برای زن و مرد ایجاد می‌کند. اما در ازدواج موقت، تمامی حقوق و تکالیف توافقی است که در حین عقد می‌توانند به عنوان شرط ضمن عقد مقرر کنند، جز مهر که در هر دو نوع ازدواج بر شوهر واجب می‌شود (مروارید، ۱۴۱۲ ق).

۳- مفهوم خانواده

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان، خانواده را تکمیل می‌کند.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهند و نکاح عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می‌گردد و در آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند (لطفی، ۱۳۹۳).

۴- شناسایی حقوق و وظایف متقابل زوجین در خانواده از**دیدگاه فقهی****۴-۱- وظایف مرد**

حقوقی که زن بر مرد دارد و مرد باید نسبت به آن‌ها وفادار باشد، عبارت است از: تأمین لباس، خوراک، مسکن و...، به طور کلی مطابق با شأن و آبروی زن باشد.
وظیفه دوم- با وجود قدرت و توانایی در تهیه وسایل وسعت و راحتی خانواده کوشش و سعی نماید و تا حد امکان آن‌ها را فراهم کند.

وظیفه سوم- مرد وظیفه دارد: زن را احترام کند، به او حرف بد و زشت و ناسزا نگوید و به او ظلم و اذیت و آزار نرساند و نسبت به او بد گمان نباشد.

وظیفه چهارم- وظیفه دیگر مرد این است که کارهای خارج از قدرت و طاقت زن را به او واگذار نکند.

وظیفه پنجم- وظیفه دیگر مرد، صبر و بردباری در برابر اخلاق بد زن است!

وظیفه ششم- وظیفه دیگری که مرد نسبت به زن دارد: باید مرد خود را نظیف و پاکیزه گرداند، زیرا کثیف بودن مرد، علاوه بر اینکه برای زن ظلم است، گاهی خطرهایی به وجود می‌آید و عفت زن جریحه‌دار می‌شود.

وظیفه هفتم- وظیفه دیگری که به عهده مرد می‌باشد: این است که در خانه خوش‌زبان بوده و از سخنان زشت و ناروا بپرهیزد.

وظیفه هشتم- وظیفه سنگین دیگری که مرد دارد، این است: به زن خود امر به معروف و نهی از منکر کند.

وظیفه نهم- به منظور اینکه، معمولاً کارها و اندیشه‌های زن از روی احساسات و عواطف است و مال‌اندیشی و حقیقت‌بینی که در پرتو نورانی فکر به وجود می‌آید، کمتر وجود دارد.

۴-۲- وظایف زن

- انتخاب محل سکونت: حق سکونی با مرد است، مگر اینکه زن در حین ازدواج با مرد شرط کرده باشد که حق سکونت با او باشد، به معنای آنکه زن در حوزه اسکان شوهر حق سکونت دارد. اما اگر زن حق سکونت را از شوهرش به صورت عام بگیرد، در آن صورت حق دارد تا هر کجا که بخواهد سکونی گزیند.

- منع زوجه از اشتغال شغلی منافی با حیثیت و شئون خانوادگی از سوی زوج: البته عکس این قضیه برای زن نیز صادق است.

- حق طلاق: طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق بدهد. امروزه بسیاری از طلاق‌ها به درخواست زن است که در این صورت دیگر اجرت‌المثل به زن تعلق نمی‌گیرد، اما اگر مرد درخواست طلاق بدهد، باید مهریه، اجرت‌المثل و نفقه‌ایام عده را نیز بپردازد.

۶- تعهدات غیرمالی زوجه و تعیین ضمانت‌اجراهای آن

حداقل و نخستین سطح تعهد، همان تکالیف و وظایفی می‌باشد که در عقدنامه ازدواج آمده است.

۱-۶- تمکین و تعریف آن

واژه تمکین در فقه به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. معنای عام تمکین همان پذیرش مسئولیت شوهر در اداره نهاد خانواده می‌باشد، خواه به عنوان ریاست خانواده یا به عنوان مسئول و سرپرست خانه برحسب اختلاف مبانی که در باب قیمومت شوهر بر زن وجود دارد. تمکین خاص، ایجاد شرایطی برای رفع نیازهای جنسی در هر موقعیت ممکن و متعارف است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۹).

الف- تمکین عام

قانون مدنی در فصل هشتم با عنوان حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر، مواردی از تمکین عام زوجین و ضمانت‌اجرای آن را بیان کرده است. به‌طور کلی تمکین عام عبارت است از حُسن معاشرت زن با شوهر خود و اطاعت از او در امور زناشویی، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند، وفاداری، پذیرش ریاست شوهر بر خانواده در حدود قانون و عُرف. به‌علاوه سکونت زن در منزل شوهر و عدم اشتغال به شغل، منافی مصالح خانوادگی شوهر نیز از دیگر موارد تمکین عام محسوب می‌شود. در واقع مفهوم تمکین عام، فرمانبرداری در تمام امور کلی زندگی می‌باشد و زن موظف به پیروی و اطاعت از شوهر است. قانون هم اشاره کرده ریاست خانواده از خصائص مرد می‌باشد (رهپیک و جانبا، ۱۳۹۱).

یکی از وظایف زن این است که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نرود.

نسبت به شوهر آزار و اذیت نرساند.

یکی دیگر از وظایف زن، خانه‌داری و خدمت به شوهر است. برای شوهر زینت و آرایش کند. زینت کردن، یکی از وظایف لازم و ارزنده زن می‌باشد.

وظیفه دیگر زن این است که بدون اجازه و اطلاع شوهر در مال او دخالت نکند، زیرا این عمل نسبت به مرد خیانت است و این‌گونه خیانت‌ها مانند موریانه رشته‌های صفا، صمیمیت، اطمینان و آرامش خانواده را نابود می‌کند.

۵- شناسایی تعهدات غیرمالی زوج

۱-۵- قسم و احکام آن

مراد از قسم، بخش کردن شب‌ها بین زوجات است. نظر مشهور فقها بر این است که زوج موظف است حق قسم را نسبت به همسر یا همسرانش رعایت کند که در اصطلاح حق مضاجعه و یا حق مبيت هم می‌گویند (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۸).

قانون مدنی تصریح به تکلیف مزبور نکرده است و از افراد حُسن معاشرت شوهر نسبت به زن دانسته و اکتفا به ماده ۱۱۰۳ نموده است.

۲-۵- ریاست مرد بر خانواده

به‌رحال ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی به این موضوع اشاره کرده است و به‌موجب ماده ۱۱۰۴، زن معاون و یاور او در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد می‌باشد. مقصود از ریاست شوهر، این است که تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده و مراعات مصالح آن به‌عهده شوهر می‌باشد.

۳-۵- آثار ریاست شوهر بر خانواده

ریاست شوهر بر خانواده در حقوق ما دارای آثار و نتایجی است که فهرست‌وار بیان می‌شود:

- زن حق دارد نام خانوادگی شوهر را با موافقت وی به کار برد.
- براساس ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی، اقامتگاه زن اصولاً همان اقامتگاه شوهر است.

- ولایت قهری پدر نسبت به اطفال:

ولایت و حضانت متفاوت هستند. اگر در بحث حضانت، حضانت طفل به مادر داده می‌شود، به‌منزله ولایت مادر بر کودک نیست. ولایت پدر در جای خود محفوظ است و حضانت و تعهدات مادی کودک به مادر داده می‌شود.

ب- تمکین خاص

می‌باشد. در این رابطه، تبصره شش ماده واحده مربوط به طلاق برای تأمین حقوق زوجه مقرر داشته است:

پس از طلاق، در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه ابتدا از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته وی اقدام می‌کند. و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی شرطی شده باشد، طبق آن عمل می‌شود. در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.

ب- در غیر مورد بند (الف) با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌کند.

در این تبصره، امکان دریافت اجرت‌المثل (وفق بند الف) و دریافت نحله (وفق بند ب آن) منوط به عدم تخلف زن از وظایف همسری شده است. بنابراین چنانچه مرد در صورت عدم تمکین ممتد زوجه خود بخواهد، وی را طلاق دهد، زن استحقاقی در دریافت اجرت‌المثل و یا نحله نخواهد داشت. البته بدیهی است حق دریافت مهر توسط زن در جای خود محفوظ خواهد بود، زیرا الزام به پرداخت مهر به مجرد عقد و دخول بر ذمه مرد ثابت می‌شود.

همچنین چنانچه مرد به وظایف زوجیت خود در قبال زوجه - به خصوص در آنچه به وظیفه زناشویی برمی‌گردد- توجهی نکند، زوجه می‌تواند تقاضای طلاق به واسطه عسر و حرج را مطرح سازد (شریف، ۱۳۹۰).

۷- شناسایی تعهدات غیرمالی زوجین و ضمانت‌اجراهای آن**۷-۱- وفاداری زوجین**

در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نشده است، ولی باید توجه داشت که سکوت قانون‌گذار به‌خاطر بدیهی بودن این تکلیف می‌باشد. لطمه‌ای که در اثر رابطه نامشروع زن یا شوهر با دیگری براساس خانواده وارد می‌شود، از نظر حقوقی نیز بی‌مکافات نمانده است. پس نباید تکلیف وفاداری

براساس شرع و مطابق مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۷ ق.م بعد از اجرای صیغه عقد، به عهده زوجین در مقابل یکدیگر حقوق و تکالیفی قرار می‌گیرد.

۶-۲- ضمانت‌های اجرایی تخلف از وظیفه تمکین

ضمانت اجرایی حقوقی در ناحیه زوجه در دو عنوان عدم استحقاق نفقه و امکان طرح دعوی الزام به تمکین خلاصه می‌شود.

الف- عدم استحقاق نفقه

وفق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، تنها ضمانت اجرایی مؤثر برای تخلف از وظیفه تمکین زوجه در قبال زوج، عدم استحقاق وی نسبت به نفقه عنوان شده است. این ماده مقرر می‌دارد: چنانچه زن از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. این موارد، مورد استفاده از حق حبس (موضوع ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی)، بیماری واگیردار شوهر (موضوع ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی) یا بیماری زوجه و به‌خصوص در ایام وضع حمل (مستنبط از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی)، اختیار مسکن جداگانه بنا به حکم دادگاه در صورت اثبات خوف ضرر مالی و یا جانی و یا آبرویی برای زوجه (موضوع ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی) و در نهایت سفر زوجه هستند.

ب- دعوی الزام به تمکین

یکی از ضمانت‌های اجرایی عدم تمکین، امکان طرح دعوی الزام به تمکین است. با اینکه تنها ضمانت اجرایی صریح قانون مدنی همان عدم استحقاق نفقه می‌باشد، در هر حال رویه عملی دادگاه‌ها چنین استوار شده که دعوی الزام به تمکین را می‌پذیرند و زوجه را محکوم به تمکین می‌کنند.

ج- اجازه ازدواج دوم

رویه عملی برخی دادگاه‌ها در مواردی که امکان الزام زوجه غیرمتمکنه از وظایف زوجیت موجود نمی‌باشد، اجازه ازدواج دوم به مرد است.

د- عدم استحقاق اجرت‌المثل و نحله در ناحیه زوجه

یکی از ضمانت‌های اجرایی مؤثر برای الزام زوجه به تمکین، عدم استحقاق دریافت اجرت‌المثل است، زیرا شرط دریافت اجرت‌المثل و نحله، عدم خطای زوجه تلقی شده و به‌نظر ما عدم تمکین مصداق بارزی از خطای در انجام وظایف زوجیت

۷-۳- ضمانت اجرای ناشی از بدرفتاری و ضرب و شتم

در صورتی که بدرفتاری و ضرب و شتم از جانب مرد واقع شود، زن می‌تواند ابتدای دادگاه الزام او را به ترک آن عمل از دادگاه بخواهد. در صورتی که این اقدام مؤثر نیفتاد و این رفتار همچنان ادامه یابد، تا جایی که تحمل آن را برای زوجه دشوار یا محال سازد می‌تواند به استناد عسر و حرج از دادگاه مطالبه طلاق کند. به علاوه چنانچه در اثر ضرب و شتم زوج، صدمه یا جراحت جسمانی به زوجه وارد شود، به پرداخت دیه یا قصاص جراحت یا نقص عضوی که ایجاد کرده محکوم خواهد شد. در هر حالت چنانچه از بدرفتاری یا ضرب و شتم هریک از زوجین به دیگری صدمه جسمی، معنوی یا مالی وارد شود، مرتکب به موجب قواعد مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارت خواهد شد.

۸- معاضدت زوجین در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند

مبانی خانواده بر پایه مودت زن و شوهر به یکدیگر بنا شده و می‌توان گفت نگرهبان بقای خانواده عفت و پرهیزگاری هریک از زوجین (زن و مرد) است. زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت، همدلی، همراهی و مشارکت کنند. قانون مدنی در این مورد از تکالیف زوجین در ماده ۱۱۰۴ بیان می‌کند: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.»

قانون مدنی در ماده ۱۱۷۸ بیان می‌کند: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند.»

۸-۱- معاضدت در تشدید مبانی خانواده و ضمانت اجرای آن

عدم معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد از مصادیق سوء معاشرت محسوب می‌شود و از این رو ضمانت‌اجراهایی که در خصوص سوء معاشرت آمد، اینجا هم صادق است. بنابراین هریک از زوجین از ایفای وظیفه معاضدت خودداری کند، طرف دیگر می‌تواند الزام او را به ایفای وظیفه از دادگاه مطالبه نماید. در صورتی که الزام ممکن نشد، اگر زن متخلف باشد، اقدام او نشوز محسوب شده و حق نفقه او ساقط می‌شود. در صورتی که مرد متخلف باشد، ممکن است این اقدام مرد، موجب عسر و حرج زوجه شده و مستند درخواست طلاق از طرف زن قرار گیرد (احمدیه و جعفرپور، ۱۳۹۲).

۸-۲- معاضدت در تربیت فرزندان و ضمانت اجرای آن

۱- معاضدت در تربیت فرزندان

همسر را تنها تکلیف اخلاقی پنداشت، زیرا حقوق نیز رابطه جنسی کسی را که ازدواج کرده با دیگران ممنوع ساخته است. در قانون مجازات اسلامی، مجازات زن شوهردار (محصنه) که با مرد دیگری رابطه نامشروع دارد، یا مجازات مرد زنی (محصن) که با زن دیگر رابطه نامشروع برقرار کرده، ممکن است تا اعدام نیز در صورت وجود شرایط خاص معین شود و همین امر اهمیت تکلیف مربوط به وفاداری و ارتباط آن با نظم عمومی را به خوبی نشان می‌دهد.

تکلیف مربوط به وفاداری از نظر حقوقی نیز بدون ضمانت اجرا باقی نمانده است، زیرا نه تنها به عنوان سوء رفتار یا ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی تعارض دارد، مستند درخواست طلاق قرار گیرد، همسری که از این بابت زیان می‌بیند، می‌تواند جبران خسارت مادی و معنوی خود را از طرف خطاکار بخواهد.

علاوه بر اینکه چنین تخلفی در صورتی که از سوی زن واقع شده باشد، نشوز محسوب شده و استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می‌برد و به علاوه دلیل مناسبی بر مطالبه طلاق از سوی مرد است (هرچند مرد به موجب قانون در اعمال حق طلاق الزامی به توجیه آن ندارد). در صورتی که نقض تکلیف وفاداری از سوی مرد واقع شده باشد، زن می‌تواند الزام او را به ترک این تخلف، از دادگاه مطالبه کند و هرگاه مرد از کار خود دست بردارد و رابطه نامشروع با زنان دیگر برای او به صورت عادت درآید، زن می‌تواند با عنوان سوء معاشرت و عسر و حرج از دادگاه تقاضای طلاق نماید. به علاوه محکومیت قطعی شوهر به جرم داشتن رابطه نامشروع نیز از آنجاکه با حیثیت و شئون خانوادگی طرف دیگر مخالف است، در صورتی که موجب عسر و حرج برای زن شود، می‌تواند مستند درخواست طلاق همسر قرار گیرد (توسلی، ۱۳۸۲).

۷-۲- حُسن معاشرت

ماده ۱۱۰۳ ق.م. بدین گونه بیان می‌کند که: «زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند.»

سوء معاشرت زن استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می‌برد. ماده ۱۱۰۸ ق.م. و هرگاه سوء معاشرت از جانب شوهر باشد و چنان باشد که زندگی زناشویی را برای زن غیرقابل تحمل و ناممکن سازد، در این صورت به دستور ماده ۱۱۳۰ ق.م. زن می‌تواند از دادگاه درخواست کند که شوهر او را اجبار به طلاق بنماید.

استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرای حکم محکوم خواهد شد.»

به موجب ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی، در صورتی که به علت طلاق یا به هر جهت دیگر ابوبین در یک منزل سکونت نداشته باشند، هریک از ابوبین که طفل تحت حضانت او نمی‌باشد، حق ملاقات طفل خود را گرچه قانون مدنی حق ملاقات را برای ابوبین شناخته است، ولی این حق منحصر به پدر و مادر نیست و اجداد پدری و مادری نیز نباید از این حق محروم شوند (صفایی و امامی، ۱۳۹۶).

ماده ۴۱ قانون حمایت از خانواده در این رابطه مقرر می‌دارد «هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است، یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی‌حق شود، می‌تواند در خصوص اموری مانند واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش‌بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.»

۳- ضمانت اجرای حق و تکلیف تربیت کودک

ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد «ابوبین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند.»

مطابق ماده ۱۱۷۳ هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند با تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. بنابراین ضمانت‌اجراهایی که در خصوص سوء معاشرت آمد، متناسب با مورد، در اینجا هم می‌تواند اعمال شود (جعفری‌عابده، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

تعهدات غیرمالی مشترک بین زوجین، شامل حقوق عاطفی (یا به تعبیر قانون مدنی، حُسن معاشرت)، حقوق جنسی و حق وفاداری زوجین است. در بررسی حقوق غیرمالی زوجین، بحث ریاست خانواده و تعیین حد و حدود آن و تبیین آثار ریاست زوج بر زوجه نیز مسأله بسیار حائز اهمیتی است که با استفاده از اصول و قواعد اساسی فقه و آیات و روایات متعدد، این حد و حدود و همچنین آثار ریاست مرد در خانواده، بر مباحثی چون

از حق و تکلیفی که قانون به منظور نگاهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر اعطا کرده است، اصطلاحاً با عنوان «حضانت» یاد می‌شود. قانون‌گذار شرایطی را برای حضانت لازم دانسته است که از جمله آن‌ها می‌توان به داشتن عقل (ماده ۱۱۷۰ ق.م)، توانایی عملی (مستفاد از ماده ۱۱۷۳ ق.م) شایستگی اخلاقی (ماده ۱۱۷۳ ق.م)، عدم ازدواج مادر با شخص دیگر (ماده ۱۱۷۰ ق.م) و اسلام (ماده ۱۱۹۲ ق.م) اشاره کرد. به موجب ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت فرزندان تا سن هفت سالگی برعهده مادر خواهد بود و پس از این مدت، پدر نسبت به حضانت اولویت خواهد داشت. حضانت که اختصاص به اطفال دارد، بعد از سن نه سال قمری در دختر و ۱۵ سال قمری در پسر ساقط می‌شود و مدت آن پایان می‌یابد.

۲- ضمانت اجرای حق و تکلیف نگاهداری

الف- ضمانت اجرای مدنی

گفتیم که نگهداری و پرستاری از فرزند، علاوه بر آنکه حق پدر و مادر است، تکلیف ایشان نیز می‌باشد (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی). ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی در زمینه نگاهداری فرزندان چنین مقرر داشته است: «هیچ‌یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به‌عهده آن‌هاست، از نگاهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوبین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقرباء یا به تقاضای مدعی‌العموم، نگاهداری طفل را به هریک از ابوبین که حضانت به‌عهده اوست، الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند». به موجب این ماده چنانکه پدر و مادری که قانوناً حضانت برعهده اوست، از نگاهداری طفل امتناع کند، دادگاه می‌تواند پدر یا مادر ممتنع را الزام به انجام وظیفه نماید. ولی اگر با این وجود شخص برخلاف حکم دادگاه همچنان از نگاهداری طفل خودداری کند، دادگاه طبق این ماده تنها می‌تواند طفل را با هزینه پدر و در صورت فوت پدر یا عدم تمکن مالی او به خرج مادر به دیگری واگذار نماید.

ب- ضمانت اجرای کیفری

به موجب قانون مربوط به حضانت که به صورت ماده واحده در تیرماه ۱۳۶۵ به تصویب رسید «چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم‌مقام آن دادگاه حضانت طفل به‌عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، دادگاه صادرکننده حکم، وی را ملزم به عدم ممانعت یا

تمکین زن، اشتغال او، خروج او از منزل و کشور و همچنین وجود یا عدم تأثیر این ریاست بر اقامتگاه و تابعیت و نام خانوادگی زن، به‌خوبی روشن شده است.

زوجین در طول مدت زندگی زناشویی، وظایف مشترکی نسبت به یکدیگر دارند؛ به‌گونه‌ای که هر دوی آن‌ها موظف به رعایت این تکالیف هستند. تعهدات مشترک زوجین عبارت‌اند از:

الف- سکونت مشترک: که هدف اصلی نکاح، تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن است و این هدف با جدائی آنان امکان‌پذیر نیست.

ب- حُسن معاشرت: مطابق ماده ۱۱۰۳ ق.م. زن و شوهر مکلف به حُسن معاشرت با یکدیگرند. حُسن معاشرت یا خوش‌رفتاری زن و شوهر مربوط به عُرْف، عادت و رسوم اجتماع است و مقتضای آن برحسب زمان و مکان تغییر خواهد کرد و به‌طورکلی می‌توان گفت حُسن معاشرت ایجاب می‌کند که زن و شوهر با مسالمت و صمیمیت با هم زندگی نمایند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند.

ج- معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند: ماده ۱۱۰۴ ق.م. زوجین را امر به معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند کرده است. از مهم‌ترین اهداف ازدواج، همکاری در زندگی و اشتراک مساعی زن و شوهر در تأمین سعادت و رفاه خانواده است.

د- وفاداری زوجین: در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نشده است، ولی باید توجه داشت که سکوت قانون‌گذار به‌خاطر بدیهی بودن این تکلیف است؛ چراکه سرانجام یک زندگی مشترک، بدون وفاداری زن و مرد نسبت به هم و پایبند بودن آن دو به خانواده، به سعادت و کمال نخواهد انجامید.

علاوه بر تکالیف مشترک میان زوجین، هریک حقوق و تعهدات مختص به یکدیگر دارند. تعهدات غیرمالی زوج شامل قسم و ریاست مرد بر خانواده می‌باشد و تعهد غیرمالی زوج، تمکین است. تعهدات غیرمالی والدین و فرزندان نیز شامل ولایت قهری و حضانت می‌باشد. در رابطه با ضمانت اجرایی تعهدات غیرمالی زوجین براساس نتایج حاصل از تحقیق، در مورد تعهدات اختصاصی غیرمالی زوج مقنن ایران در قوانین جزایی اصلاً ضمانت اجرایی در نظر نگرفته است. وضع قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده نیز بهتر از قوانین جزایی نیست. در رابطه با وظایفی که زوج در قبال زوج دارد. در رابطه با

سکونت زن در منزل تعیینی شوهر نیز هیچ‌گونه ضمانت اجرایی وجود ندارد، اما با توجه به اینکه امتناع زوجه از سکونت در منزل تعیینی شوهر بدون مانع مشروع از مصادیق نشوز است، می‌توان گفت که در این فرض نیز امتناع زوجه موجب سقوط نفقه و حق قسم می‌شود. در رابطه با وظایف مشترک زوجین، تنها وظایف وفاداری و حضانت دارای ضمانت اجرای مدنی و جزایی مؤثری هستند، اما در رابطه با تعهدات حُسن معاشرت و معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند تنها ضمانت اجرای مدنی که عبارت از طلاق و سقوط نفقه باشند، در نظر گرفته شده است و هیچ ضمانت اجرایی جزایی در نظر گرفته نشده است. شایان ذکر است مقنن ایران در اکثریت موارد، طلاق را به‌عنوان ضمانت‌اجرای امتناع زوجین از وظایف زوجیت عنوان کرده که از این حیث نیز به قانون ایران نقص وارد است. با توجه به ضمانت‌اجراهایی که در مورد تعهدات زوجین وجود دارد، به‌طور خلاصه در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- تمکین: ضمانت اجرای مستقیم عدم تمکین، محروم شدن زن از حق نفقه است و این امر مورد اتفاق همه فقهای شیعه و اهل سنت می‌باشد و ماده ۱۱۰۸ ق.م. نیز همان‌طور که قبلاً بیان شد، محرومیت از استحقاق نفقه را ضمانت‌اجرای امتناع زوجه از تمکین دانسته است و در صورت ادامه چنین سوء رفتاری از ناحیه زن و عدم امکان صلح بین آن‌ها، چاره‌ای غیر از طلاق نخواهد بود.

ب- ضمانت‌اجرای ناشی از بدرفتاری و ضرب و شتم: در خصوص بدرفتاری زوجین یا ضرب و شتم برقراری ضمانت‌اجرای حقوقی، در عین آنکه تا حدودی خسارت وارده به هریک از ایشان را جبران می‌کند، می‌تواند به‌عنوان عاملی بازدارنده از وقوع چنین رفتارهای نامطلوبی محسوب شود. شوهر می‌تواند در چنین صورتی الزام زوجه به ترک بدخلقی و سوء معاشرت را از دادگاه مطالبه نماید.

در صورتی که بدرفتاری و ضرب و شتم از جانب مرد واقع شود، زن می‌تواند ابتدای دادگاه الزام او را به ترک آن عمل از دادگاه بخواهد. در صورتی که این اقدام مؤثر نیفتاد و این رفتار همچنان ادامه یابد تا جایی که تحمل آن را برای زوجه دشوار یا محال سازد، می‌تواند به استناد عُسْر و حرج، از دادگاه مطالبه طلاق نماید. به‌علاوه چنانچه در اثر ضرب و شتم زوج، صدمه یا جراحت جسمانی به زوجه وارد گردد، به پرداخت دیه یا قصاص جراحت یا نقص عضو که ایجاد کرده محکوم خواهد شد.

- دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۵). حقوق مدنی خانواده و ازدواج و انحلال آن. تهران: امید دانش.
- ره‌پیک، سیامک و جانباز، علی (۱۳۹۱). «اثر تمکین عام در سقوط حق حبس زوجه». فصلنامه نقد رأی. ۱(۱): ۲۸-۴۱.
- شریف، علی (۱۳۹۰). نفقه و تمکین در حقوق خانواده. تهران: نشر بشارت.
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۶). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). حقوق مدنی خانواده. تهران: بهمن برنا.
- لطفی، اسدالله (۱۳۹۳). حقوق خانواده، جلد نخست. تهران: انتشارات خرسندی.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن - طبع قدیم). تهران: نشر میزان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مروارید، علی‌اصغر (۱۴۱۲ق). ینابیع الفقہیہ. بیروت: الدارالإسلامیہ.

در هر حالت چنانچه از بدرفتاری یا ضرب و شتم هریک از زوجین به دیگری صدمه جسمی، معنوی یا مالی وارد شود، مرتکب به موجب قواعد مسئولیت مدنی، ملزم به جبران خسارت خواهد شد.

ج- معاضدت در تشدید مبانی خانواده و ضمانت‌اجرای آن اگر هریک از زوجین از ایفای وظیفه معاضدت خودداری کند، طرف دیگر می‌تواند الزام او را به ایفای وظیفه از دادگاه مطالبه نماید. در صورتی که الزام ممکن نشد، اگر زن متخلف باشد، اقدام او نشوز محسوب شده و حق نفقه او ساقط می‌شود. در صورتی که مرد متخلف باشد، ممکن است این اقدام مرد موجب عسر و حرج زوجه گردیده و مستند درخواست طلاق از طرف زن قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد اول.
- احمدیه، مریم و جعفرپور، جمشید (۱۳۹۲). طلاق به درخواست زن و شوهر. تهران: سفیر صبح.
- امامی، اسدالله (۱۳۹۵). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- توسلی، زهرا (۱۳۸۲). «حقوق غیرمالی زن در خانواده». نشریه فقه و حقوق خانواده. (۲۹): ۵۶-۷۳.
- جعفری عابده، بتول (۱۳۹۰). «وظایف زوجین نسبت به همدیگر». نشریه طهورا. (۱۰): ۳۳-۴۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.



Joint Obligations of Spouses in the Field of Non-financial Issues and Guaranteeing Their Implementation

Fereshteh Nafar*¹, Abdolreza Bay², Mohammad Manghoush³

1. Masters student in Private Law, Shams Institute of Higher Education, Kavos Dome, Iran.

2. Department of Political Science, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Iran.

3. PhD student of international law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 47-56

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: f.sh.asl70@gmail.com

Article history:

Received: 22 Jun 2022

Revised: 24 Jul 2022

Accepted: 21 Agu 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Family, Non-Financial Obligations, Marriage, Performance Guarantee.

ABSTRACT

The purpose of this thesis is to examine the joint obligations of couples regarding non-financial issues and determine the guarantee of their implementation. The results showed that Iran's lawmaker has not considered any enforcement guarantee in the criminal laws regarding the exclusive non-financial obligations of the couple. In relation to the obligations that the wife has towards her husband, there is only a civil enforcement guarantee for the duty of compliance, which includes the loss of alimony and the right of oath. There is no enforceable guarantee in relation to the wife's residence in the husband's designated home, but considering that the wife's refusal to live in the husband's designated home is not a case of marriage without legitimate obstacles, in this case, the wife's refusal also causes the loss of alimony and oath. In relation to the joint obligations of the spouses, only the duties of loyalty and custody have an effective civil and criminal enforcement guarantee, but in relation to the duties of good company and assistance in strengthening the foundations of the family and raising children, only the civil enforcement guarantee, which consists of divorce and loss of alimony, is considered. and no guarantee of criminal execution has been considered. Iran's legislators have defined the majority of divorce cases as a guarantee for the couple's refusal to fulfill their marital obligations, which is also flawed in Iran's law.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Nafar, F; Bay, A & Manghoush, M (2022). "Joint Obligations of Spouses in the Field of Non-financial Issues and Guaranteeing Their Implementation". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(3): 47-56.